

خدا شفا طلسم و یا یک کلمه در هفت بار استغاده رانما سرات کند اثر آن در هفت  
عصرا را عود با بند و قدرته تمامه مجموع بخدا و بقدرت خدا از شر فرج بر او آید  
در روز شنبه هر کس که می رسد از دل در تصفیت و مانع شدن از خفا رفا عتبار  
بیاورد بر شفا معالیه کلامی درست نیست و در شبی است و اما در طلسم گفته شده  
حیث است از دور در و مکر و هر که او در آن است و از مکر و هر وضعی که متوجه قول  
ست در مستقبل **أَوْ أَعُوذُ بِعِشَّةِ اللَّهِ وَقَدْ سَمِعْتُ مِنْ شَرِّ مَا  
أَجِدُ بَعْضًا أَوْ بَعْثَةً اللَّهُ وَقَدْ سَمِعْتُ مِنْ شَرِّ مَا  
أَجِدُ بَعْثَةً مَرَاتٍ بَعْثَةً كَذَبْتُ الْمَلِكَةَ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ أَعُوذُ  
بِعِشَّةِ اللَّهِ وَقَدْ سَمِعْتُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ مِنْ وَجَعِي هَذَا وَتَرَى لَكُمْ  
بِرَفْعِ كَيْفَةٍ ثُمَّ بَعْدَ هَذَا أَوْ لَيْسَ أَحَدٌ لِقَسْبِهِ بِالْمَعُوذَةِ  
وَقَدْ بَقِيَ**  
اولا و اعوذ بفتح در موطا امام باقر و در تصفیت این  
را شبیه در روایت دیگر در دست نیز از عثمان بن مازن که رسول خدا فرموده است  
یا کبیران مشنگ این استغاده را هفت بار بگو و بفرست از زمین در دست  
نام احمد در کتب طبرستان در دست است که کتب بن ماکر که رسول خدا فرموده  
یا کبیران مشنگ اعوذ بفرست از شر الاله هفت بار در آن حال که بنده دست خود را  
زیر موضع درد خفه قول اولیم الیه یعنی در سخن ترند و در دست از زمین  
که رسول خدا فرموده است یا کبیران مشنگ لبم لعل عوذ بفرست از شر الاله الاله  
حال کوطاق است ارست با راجع با راجع است یا در مصحح گفته است و این  
بار اول است چنانکه مصحح است در احوال و در دست است و در دست است و در دست  
اقل الاله قول غم برفع بدغم بعید با رست از یکبار گفتن برود در دست خود را

از غم

از موضع درد دست از دست بر شفا معالیه کلامی است که در آن کلمات در روز پنجشنبه آن دست در  
موضع درد و پنجشنبه قول اولیم الیه یعنی در مصحح بن ماکر و در سخن الیه بود و در دست  
این ماهر در دست از خفا رفا عتبار که رسول خدا فرموده است یا کبیران مشنگ  
معوذت را بفتح و کسر و لا مشرو است و در سخن الیه عوده یعنی در سوره اسما  
از آن اقل جمیع است یا صیغه جمع یا عتبار کلمات است که در روز پنجشنبه یا در روز  
ست یا سوره اخلاص تعقیب است یا المعتمر و کثیر که در روز پنجشنبه یا در روز  
کافرون چنانکه در مدنی گفته است و در احوال است یا در روز پنجشنبه یا در روز  
از رست است و در روز پنجشنبه هر چهار رسته است که در روز پنجشنبه یا در روز  
کافرون و سوره اخلاص نمیزد که در دست است که در دست است از اخلاص و قیام  
برابر محض دعاست و طلب اخلاص قول و هفت یعنی فاکر که در دست است یا در روز  
عقل را که در دست گفتن بر سوره زهر را که در دست است یا در روز پنجشنبه  
خود است مع کتبات هر روز دست در خود را در سخن خود را در سخن یعنی مع کند  
من خود را در سخن اول و اول را در اول **أَوْ سَمِعْتُ مِنْ شَرِّ مَا  
أَجِدُ بَعْثَةً مَرَاتٍ بَعْثَةً كَذَبْتُ الْمَلِكَةَ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ أَعُوذُ  
بِعِشَّةِ اللَّهِ وَقَدْ سَمِعْتُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ مِنْ وَجَعِي هَذَا وَتَرَى لَكُمْ  
بِرَفْعِ كَيْفَةٍ ثُمَّ بَعْدَ هَذَا أَوْ لَيْسَ أَحَدٌ لِقَسْبِهِ بِالْمَعُوذَةِ  
وَقَدْ بَقِيَ**  
چشم و در دست در هفت بار و صغیر است از اول دست کبیرا در دست است  
چنانکه در کلام خدا در سخن الیه یعنی در سخن الیه یعنی در سخن الیه  
معنی که کشیدن از باب لغوی و اولی فقل فقل فقل فقل فقل فقل فقل فقل  
این شعر با هفت و در دست است بر احوال یعنی در مصحح گفته است که در دست  
عمل الیه در الیه این سخن در دست است از آن سخن رسول خدا فرموده است

متن  
مسکی

متن  
مسکی